

آمارهای مرگ و میر کرونا: کاستی معنا

محمود کیوان آرا^۱

سرمقاله

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱/۵

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۱/۱۵

مقدمه

شیوع فراگیر کرونا در جهان با تبعات روانی، اجتماعی و اقتصادی همراه شد و اثرات زیانباری را برای افراد و اجتماعات انسانی ایجاد کرد. نمایش کرونا از طریق آمارها، یکی از ابعاد عینی و آشکار همه‌گیری بیماری است؛ به این صورت که آمارها به وضوح وضعیت ابتلای جمعیت‌ها، میزان مرگ و میر، بهبود یافتگان و افراد در معرض را نشان می‌دهد. استفاده از آمارها می‌تواند تصاویر به نسبت روشنی از وضعیت قبلی، فعلی و احتمالاً آینده اپیدمی را روشن کند و ساز و کارهای مناسبی را جهت مقابله با آن ارائه دهد. همچنین، تحلیل‌های آماری امکان مقایسه اپیدمی و به دنبال آن، امکان سیاست‌گذاری را در جوامع و کشورهای مختلف فراهم می‌آورد.

با وجود اهمیت و تأثیرگذاری آمارهای مرتبط با کرونا، باید پذیرفت که آمار و به ویژه آمارهای مرگ و میر که همه روزه توسط رسانه‌های مختلف گزارش می‌شود، با کاستی‌هایی همراه است. به هر حال، اگرچه آمارهای ناخوشایند مرگ و میر، تصاویری از واقعیت مرگ را نمودار می‌کنند، اما نمی‌توانند همه واقعیت انسان‌هایی که می‌میرند را آشکار نمایند. زمانی که از تعداد مرگ و میر ناشی از ابتلا به ویروس کرونا صحبت می‌شود، اعداد روی هم قرار می‌گیرند، جمع می‌شوند و تعداد اعلام می‌گردد؛ غافل از این که هر عدد معادل با یک انسان است که نه قابل مقایسه با درختان جنگل و نه اشیاء مادی است. آن اعداد گویای هویت‌های انسانی می‌باشند که تصاویری انتزاعی را از آن‌ها برای ما آشکار می‌کنند؛ به این معنی که آمارها تنها تصاویر مکانیکی و ریاضی هستند و احساسات و عواطف انسانی در آن‌ها جایگاهی ندارد؛ در حالی که برای درک بیشتر واقعیت کرونا، باید به احساسات، عواطف، هویت، نقش‌های اجتماعی، خانوادگی، نقش شغلی و اقتصادی و سایر نقش‌های هر یک از جان‌باختگان توجه نمود.

آمارها با کمیت‌ها سر و کار دارند، اما واقعیت انسان‌ها پیچیده‌تر از آن است که با کمیت بیان شود. با افزایش یک مورد مرگ، عددی به آمار افزوده می‌شود، اما نباید غفلت کرد که این یک عدد، یک انسان با نقش و پایگاه خاص اجتماعی است. از این‌رو، در بررسی‌های اپیدمیولوژیک نباید فقط اسیر تعداد و کمیت شد؛

چرا که دستیابی به واقعیت انسان، از طریق روش پدیدارشناختی، سابقه زندگی و درک موقعیت اجتماعی رفتار وی میسر می‌شود. موضوع مهم دیگر در این زمینه، آن است که آمارها اغلب گرایش به شبیه‌سازی واقعیات دارند و تفاوت‌های نسبی هر مورد مرگ که بیشتر متوجه شرایط جسمانی، محیطی، بهداشتی و درمانی هر فرد می‌باشد، در آن‌ها ارایه نمی‌شود؛ چرا که همه آمارها یکسان تحلیل می‌شوند؛ در حالی که واقعیت مرگ هر انسان می‌تواند حتی بر اساس سازه‌های اجتماعی و فرهنگی متفاوت باشد. به عبارت روشن‌تر، مرگ هر انسان با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی، معانی متفاوتی دارد که با آمارهای یکسان و همگون درک نمی‌شود. باید پذیرفت که در ورای اعداد و آمار، کنشگرانی نهفته‌اند که رفتارشان را نمی‌توان بدون ارجاع به معانی کنش‌های آنان درک کرد. مرگ یک واقعیت غیر قابل انکار برای همه است و یکی از راه‌های درک حقیقت آن، جستجوی معانی است که کنشگران به آن می‌دهند. برای درک معانی، لازم است به کنکاش از طریق پدیده‌شناسی واقعیت مرگ در جامعه و فرهنگ کنشگران پرداخت (۱).

نتیجه‌گیری

به عنوان نتیجه باید بیان نمود که فهم معانی کنش‌های انسان‌هایی که هر روزه به دلیل مبتلا شدن به بیماری کرونا می‌میرند، از طریق روش‌های ریاضی با کاستی‌هایی همراه است. پیشنهاد می‌شود با استفاده از رویکردهای تفسیری و ذهنی، معنا را ادراک نمود.

مقاله حاصل تحقیق مستقل بدون حمایت مالی و سازمانی است.

۱- استاد، جامعه‌شناسی پزشکی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

نویسنده طرف مکاتبه: محمود کیوان آرا؛ استاد، جامعه‌شناسی پزشکی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

Email: keyvanara@mng.mui.ac.ir

ارجاع: کیوان آرا محمود. آمارهای مرگ و میر کرونا: کاستی معنا. مدیریت اطلاعات سلامت ۱۳۹۹؛ ۱۷ (۱): ۱

References

1. Carel H. Illness. Trans. Kianikhah H. Tehran, Iran: Goman Publications; 2015. p. 121-66. [In Persian].